

نگاهی به اتفاق های مثبت و خیرخواهانه مردم در این روزها که از تلخی روزهای جنگ می کاهد

مهرورزی بی حد و مرز

گزارش روز

معمومه فرمانیان

خبرنگار

تجربه های تاریخی نشان داده است که مردم ایران، شهره ترین آدم های دوران در ایثار و فداکاری اند. اصلا هر اتفاق تلخ، موجی از جریان های شیرین به پامی کند که حتی رسانه های غربی هم نمی توانند از کنار آن راحت بگذرند. باهم بودن و کنار هم بودن نشان در شرایط سخت، تیر خبری رسانه های دنیا شده است؛ همان آدم هایی که در شب های سرد زمستان، از حال و احوال هم غافل نیستند و موجی از گرما برای آدم های بی بضاعت و کارتن خواب ایجاد می کنند. همان ها در میدان جنگ به اشکال مختلف، ظهور و بروز می یابند و به عینه، خوب زندگی کردن را نشانمان می دهند. در دنیای خبر و سیاست و اقتصاد، بیماران خاص، برخط ترین و حساس ترین افراد هستند. اختلال در تأمین و توزیع دارو، زنگ خطری برای سلامت آن هاست. اجازه دهید روایت را از همین نقطه شروع کنیم و روی دیگری از زندگی کسانی را باهم ببینیم که ثابت کرده اند انجام دادن کار خیر نه به قشر خاصی مربوط می شود نه به ایام و زمان و ویژه ای. مردم ما با هر نوع عقیده و باوری که دارند، از هر حزب و گروهی که هستند، پای فعالیت های انسان دوستانه خود ایستاده اند، حتی در سخت ترین شرایط.

انسانیت، التیام بخش است

هاجر شریفی سال هاست مدیریت بنیاد بین المللی پیشگیری و کنترل دیابت مشهد را برعهده دارد. او در مقدمه از مشکلاتی که بیماران با آن مواجهند، حرف به میان می آورد و می گوید: تأمین هزینه های بیماران صعب العلاج، یکی از موضوعاتی است که خیبران همیشه پیگیر آن بوده اند. علاوه بر این، کمبود دارو و تجهیزاتی که وارداتی است، زنجیره ای را تشکیل می دهد که زندگی را به کام خانواده ها تلخ می کند و قطعا تأثیرگذاری رویدادی مثل جنگ در این حوزه، فراگیرتر خواهد بود. او می گوید: ببینید ارتباط ما با بسیاری از کشورها، قطع و مسیر واردات داروها، بسته شده است. به این ها اضافه کنید کمبود داروهای خارجی را که به تحریم ها گره خورده است و نتیجه آن، هم کمیاب شدن و هم افزایش قیمت اقلام ضروری برای استفاده بچه های ماست. فرضا نوار تست هایی که قیمتش قبلا بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان بوده است، یک دفعه با افزایش چهار یا پنج برابری روبه رومی شود. چالش جفت و جور کردن هزینه و تأمین دارو از یک سو و کم کیفیتی اش از طرف دیگر، بیمار را نگران می کند که حالا قرار است چه اتفاقی بیفتد. اما در همین وضعیت بحرانی هم، مردم پای کار هستند.

شریفی، عبارت «پای کار بودن» را با افتخار بیان می کند و ادامه می دهد: جالب اینجاست که همین افراد نیازمند، به همدیگر کمک می کنند. تأمین انسولین، یکی از ضروریات زندگی بیماران دیابتی است. کمبود دارو در این حوزه، برابر است با به خطر افتادن جان آن ها، یعنی مواجه شدن افراد مبتلا به تارید، مشکل کلیه و زخم هایی که منجر به قطع عضو می شود. او ادامه می دهد: همان طور که گفتیم، ما در این ایام علاوه بر مردم، از طرف خود بیماران هم ایثار دیده ایم. انجمن اعلام کرد داروها را انبار نکنید، با وجود وضعیتی که می دانند جنگی است و تهیه و تأمین داروها به این راحتی ه نیست و واقف بودند که تأمین و تهیه آن برای



خوب شد...»

حماسه سازان روزهای سخت

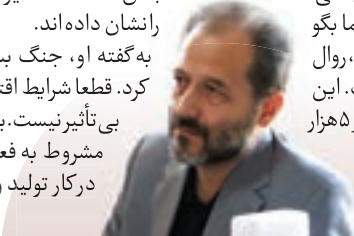
بنشینیم و به درد دل هایشان گوش بدهیم. او می گوید: سه چهار سالی از تشکیل کمیته حمایتی از بیماران سرطانی می گذرد که پنجشنبه ها برگزار می شود. اندوخته های ریالی آن، می تواند گره از مشکلات برخی بیماران باز کند؛ گرچه «کاسه خیلی بزرگی نداریم» و منابع مالی و ریالی ما محدود است و پاسخگوی همه بیماران نیازمند نیست، اما ایمان داریم که زندگی ایرانی ها بر مدارا و مهربانی می چرخد. آن ها هیچ وقت از کارهای خیر و انسان دوستانه غافل نیستند؛ چه فردی و چه جمعی. این طور نبوده است که اگر فرضا برای کسی مشکلی پیش آمده باشد، دیگران خود را مسئول ندانند. تک تک آدم ها احساس مسئولیتشان را دارند. شاید میزان کمک ها کم و زیاد شود، اما قطع نشده است. دانشور در این باره می گوید: مشکلات بیماران سرطانی، یکی دو تا نیست. طیف وسیعشان از عهده پرداخت هزینه های درمان بر نمی آیند. معمولا به خاطر این بیماری، معیشتشان هم مشکل دارد و شرایط خاصی

دارند، پیش از این اشاره کردم که از سال ۱۴۰۱ کمیته ای برای دستگیری از آن ها تشکیل شده و هر هفته بیش از ۸۰۰ میلیون تومان کمک، جمع آوری شده است. سعی کردیم برای خرج کردن آن، از بیماران نیازمندتر شروع کنیم. به گفته او، جنگ معادله خیلی از زندگی ها را به هم ریخت و این آشفته گی در روزمرگی های بیماران خاص، بیشتر دیده می شود؛ از جفت و جور کردن هزینه ها گرفته تا پیدا کردن داروها؛ به ویژه اینکه هر سال بیماران جدیدی معرفی می شوند اما شاید باورتان نشود که برکات محبت ها در شرایط سخت، بیشتر شده است. این را با چشم به وضوح دیده ام که می گویم تمام تحریم ها و نبودن ها و مبارزه کردن ها، خط سیر زندگی ما را به سمت دیگری برده است. می گوید: بگذارید جور دیگری تعریف کنم: حماسه سازان روزهای سخت را فقط می توان زیر سقف آسمان ایران پیدا کرد؛ آن ها که نشان داده و ثابت کرده اند که قلبشان برای یکدیگر می تپد.

جنگ، بستر جدیدی از همدلی ایجاد کرد

برخی ها، داروهایشان را یگان است. اما گرانی برخی تجهیزات و وسایل مورد نیازشان مثل واکر، عصا و ویلچر و پوشینه، ادامه زندگی را برای آن ها سخت می کند. شما تصور کنید هزینه میانگین یک بسته پوشینه تا اسفند، ۴۰۰ هزار تومان بوده و حالا به ۸۰۰ هزار تومان رسیده، یعنی تقریبا دو برابر شده است. سیدزادگان ادامه می دهد: بین آن ها کسانی هستند که وضعیت مالی متوسط به بالا دارند و تقریبا نیازی به کمک دیگران ندارند. اما غالبا نیاز به حمایت دارند و زیر چتر حمایتی انجمن ما هستند. خیبران در این زمینه، نوع دوستی خود را نشان داده اند. به گفته او، جنگ بستر جدیدی از همدلی را فراهم کرد. قطعا شرایط اقتصادی در کمک کردن به دیگران، بی تأثیر نیست. ببینید وقتی گردش مالی کارخانه ها مشروط به فعال بودنشان است، وقتی خلی در کار تولید و فروش پیش آید، پیام های آن

داروهایشان را یگان است. اما گرانی برخی تجهیزات و وسایل مورد نیازشان مثل واکر، عصا و ویلچر و پوشینه، ادامه زندگی را برای آن ها سخت می کند. شما تصور کنید هزینه میانگین یک بسته پوشینه تا اسفند، ۴۰۰ هزار تومان بوده و حالا به ۸۰۰ هزار تومان رسیده، یعنی تقریبا دو برابر شده است. سیدزادگان ادامه می دهد: بین آن ها کسانی هستند که وضعیت مالی متوسط به بالا دارند و تقریبا نیازی به کمک دیگران ندارند. اما غالبا نیاز به حمایت دارند و زیر چتر حمایتی انجمن ما هستند. خیبران در این زمینه، نوع دوستی خود را نشان داده اند. به گفته او، جنگ بستر جدیدی از همدلی را فراهم کرد. قطعا شرایط اقتصادی در کمک کردن به دیگران، بی تأثیر نیست. ببینید وقتی گردش مالی کارخانه ها مشروط به فعال بودنشان است، وقتی خلی در کار تولید و فروش پیش آید، پیام های آن



«الحمد لله رب العالمین به خاطر نعمت حضور مردم و کمک هایشان.....» شنیدن این عبارت از زبان سیدسعید سیدزادگان، مدیر انجمن مردم نهاد حمایت از بیماران ام اس خراسان رضوی، را به فال نیک می گیریم که از خطرات و مشکلات نبود دارو برای این بیماران و پشت بندش از حمایت های مردم می گوید. او اشاره کوتاهی می کند به این موضوع که نتیجه وضعیت اضطراری، تقریبا برای همه یکسان است و قطعا شدت بحران در حوزه بیماران خاص، بیشتر است. فرقی نمی کند تعداد بیماران این حوزه چه تعداد است، شما بگو یک نفر... روند افزایشی و ناپایب شدن تجهیزات، روال عادی و معمولی زندگی آن ها را به هم زده است. این را با توجه به این موضوع در نظر بگیرید که بیش از ۵ هزار نفر در مشهد و شهرستان های استان با این بیماری دست و پنجه نرم می کنند. البته



کابوسی که صلح آفرین شد!

رعنا وثوق، مدیرعامل مؤسسه انجمن یاوران سلامت، در مکالمه تلفنی با ما از همان فاصله ای که بین ماست، هزار بار قربان صدقه مردمی که در هیچ برهه و مرحله ای، فعالیت های انسان دوستانه شان و حق همدیگر را فراموش نمی کنند. او معتقد است به عدد همه آدم هایی که در خاک این سرزمین زندگی می کنند، قلبی برای تبیین هست و اشتیاق برای کمک کردن وجود دارد. روایت او برای باگرفتن یک مجموعه مردمی به حوالی سال ۱۳۹۳ برمی گردد و از همان جا شروع می کند که مسیر زندگی اش را تغییر داد. محال است استیصال و لرزش صدای دختری که از پشت تلفن هم پیدا بود، از یادش برود. می گفت: «خانه مان ناامن است و پسرعمویم قصد بدی داشت. مجبور شدم فرار کنم و حالا زیر پل... هستم. می ترسم شب را صبح کنم.» و از آنجا جرقه کمک به دختران و پسران آسیب دیده در ذهنش زده شد. می گوید: از آن وقت، قهرمانان گمنام زیادی را دیده ام که مرا به ادامه کار، مصمم تر کرده است. هر کاری از دستشان برمی آمده، انجام داده اند؛ آن هایی که بستری را برای رشد دختران و پسران آسیب دیده فراهم کرده اند؛ کمک های مالی برای شرکت بچه ها در دوره های فنی و حرفه ای و آموزششان. حالا دختران زیادی داریم که در زمینه آشپزی و آرایشگری سرآمد هستند، پسران هم مهارت های برق کاری و صافکاری را یاد می گیرند؛ البته به لطف و همراهی خیبران و نیکوکاران. لحنش حالا شکل خواهش می گیرد و محترمانه بیان می کند: شما بانوی اهل رسانه، اگر این صحنه های امیدبخش را انعکاس دهید، دنیا خواهد فهمید که ما چه باورهایی محکم و اعجاب انگیزی داریم. باور کنید حتی اگر این حرف ها باعث الگوی دیگری نفر هم باشد، ما رسلانمان را انجام داده ایم. حرف



برای گفتن زیاد دارد، اما به گفتن همین اندازه گفایت می کند: «راستش هیچ کس فکر نمی کند جنگ، آدم ها را باهم مهربان کند؛ کابوسی که بین قلب ها صلح آفرین شد. فکر می کنم مردم ایران، جزو کسانی هستند که هیچ وقت از انجام کارهای خیرخواهانه خسته نمی شوند. آن ها نشان داده اند که برای انجام کار خیر حتما نباید سرمایه زیادی داشته باشی، حتی در همین شرایط سخت.» بهترین راه، معرفی ارزش های دینی و عملیاتی کردن آن هاست. حالا هم لازم است از ابزارهایی مثل فیلم و نمایشنامه برای نشان دادنشان استفاده کنیم؛ اینکه سختی ها بیشتر به یکدیگر متحملان می کند و مردم در بحران ها، فعال تر و کاری تر می شوند.

ما فقط وسیله ایم

سختی معیشت، زندگی را بر سرپرست های خانواده، سخت گرفته است. حالا فکر کنید عده ای بدون سرپرست، باید در همین شرایط زندگی کنند. حسن زنکنه، ساکنانار مجموعه خیریه انصارالحجه (عج) است که به همت نیکوکاران می چرخد و به نفع ایتمام است. او همیشه اعتقاد داشته است برای انجام کار خیر حتما نباید سرمایه و امکانات زیادی داشته باشیم که بخواهیم به نتیجه برسیم و نیاز نیست سراغ مجموعه های خاصی برویم؛ می توانیم از اقوام خودمان شروع کنیم. حتما در فامیل های دور و نزدیک، خانواده های آبرومندی را پیدا می کنید که مجرای خاصی برای درآمد ندارند و زندگی سختی را می گذارند یا هم محله ای هایی که از اوضاع اقتصادی شان خبر دارید و می توانند جزو گزینه های کمک کردن شما باشند. زنکنه ادامه می دهد: البته اگر بخواهم درباره مؤسسه حرف بزنم، تمام سال هایی که چراغ آن روشن بوده است، نیکوکاران حواسشان به خانواده های آبرومند پتیم بوده است؛ چه در خود مشهد و شهرستان های اطراف و چه در نقاط دورتر مثل سیستان و بلوچستان. حالا هم جنگ و رویدادهایی شبیه این بی تأثیر نیست و به فرض، نیکوکاری که قبلا ماهیانه، دو تا سه رأس دام برای ذبح اهدایی تقدیم می کرده، حالا تعداد اقلام اهدایی اش کم شده اما قطع نشده است. به قول معروف به مو می رسد ولی پاره نمی شود. ما اعتقاد داریم روزی آدم ها دست کس دیگری است؛ ما وسیله ایم.